

The Factors of Reducing the Budget Deficit in Line with the General Policies of the Government in the Field of Government Budgeting



* **Nabi Omidi** 

Assistant Professor, Department of Management, Faculty of Economics, Management and Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran



Citation: Omidi, N. (2022). [The Factors of Reducing the Budget Deficit in Line with the General Policies of the Government in the Field of Government Budgeting]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 10 (4), 776-798. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2022.322835.2359>

 <https://doi.org/10.30507/JMSP.2022.322835.2359>

 20.1001.1.23452544.1401.10.40.5.2



Funding: See Page 796

Received: 04/01/2022

Accepted: 21/05/2022

Available Online: 22/12/2022

Article Type: Research paper

Key words:

Budget deficit; effective factors; Iran's budget; economy; inflation.

ABSTRACT

Budget deficit is the difference between the executive budget deficit and the extra balance capital. In most part of the years from 1980 to 2021, Iran was facing budget deficit. The aim of this research was to find out the effective factors of reducing budget deficit considering the conditions and problems of the country in the post 2011 era. In this decade, due to the complexity of the domestic and international issues, budget deficit increased more than expected, so far as generating money resulted in a heavy inflation. This study employed a survey method, bearing a practical aim, and using quantitative data. To analyze data, SPSS was used as the main software, and Lizrel was employed as a side software to the exploratory factor analysis. The population was 240 staff members of the management and planning organizations of different provinces, professors and teachers from different disciplines such as economics, financial management, and accounting from Payam Nour university. Also, executive managers from the related organizations were selected through Cokrain formula, which resulted in 148 participants. In this research, 30 effective factors of reducing budget deficit were identified, which were considered by Caser index. Accordingly, four elements (political and international relations, macro-economic, budget structure, and security) valued significantly above 1. Considering the statistical indexes and factor analysis, these four elements showed 89.927% of the whole variance. The findings indicated that the political and international relations element had 4.765 value of impact, macro-economic element had 3.205 value of impact, budget structure 1.942 value of impact, and security element had 1.861 value of impact, which were respectively the most important aspects of reducing budget deficit.

JEL Classification: C71, H72, G31.

* Corresponding Author:

Nabi Omidi, PhD

Address: Payame Noor University, Tehran


Tel: +98(912)9259467

Email: nabiomidi@pnu.ac.ir

عوامل کاهش کسری بودجه در جهت سیاست‌های کلی نظام در حوزه بودجه‌ریزی دولتی

* نبی امیدی ^{III}

استادیار، گروه مدیریت، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

 20.1001.1.23452544.1401.10.40.5.2

چیکید

تاریخ دریافت: ۱۴ دی ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ انتشار: ۱ دی ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

کلیدواژه‌ها:

کسری بودجه، عوامل مؤثر، بودجه ایران، اقتصاد، تورم.

کسری بودجه اختلاف کسری بودجه عملیاتی از مازاد تراز سرمایه‌ای است. در اغلب سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۰، بودجه کشور با کسری مواجه بوده است. هدف از انجام این پژوهش تدوین عوامل مؤثر بر کاهش کسری بودجه با در نظر گرفتن شرایط، موانع و مشکلات خاصی است که کشور در دهه ۱۳۹۰ با آن‌ها روبه‌رو بوده است. در این دهه، به‌واسطه ایجاد پیچیدگی‌های داخلی و مسائل بین‌المللی، کسری بودجه ابعاد گسترده‌تری یافت؛ به‌گونه‌ای که با خلق پول، تورمی سنگین به‌وجود آمد. این پژوهش از نظر روش، پیمایشی، از نظر هدف، کاربردی و به‌لحاظ نوع داده‌ها نیز کمی است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اسپس‌اس به‌عنوان نرم‌افزار اصلی و از نرم‌افزار لیزرل به‌عنوان نرم‌افزار کمکی برای روش تحلیل عاملی (از نوع اکتشافی) استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل ۲۴۰ نفر از کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها، استادان و مدرسان رشته‌های علوم اقتصادی، مدیریت مالی و حسابداری دانشگاه پیام نور، و مدیران دستگاه‌های اجرایی مرتبط بود که از این میان با استفاده از فرمول کوکران، ۱۴۸ نفر براساس روش نمونه‌گیری گروهی به‌عنوان نمونه انتخاب شد. در این پژوهش، ۳۰ متغیر مؤثر بر کاهش کسری بودجه شناسایی شد که پس از به‌کار بردن تحلیل عاملی، برای تعیین تعداد عوامل از ملاک کبسر استفاده شد. برپایه این ملاک، چهار عامل (عامل سیاسی و روابط بین‌المللی، عامل کلان اقتصادی، عامل ساختار بودجه و عامل امنیتی) دارای ارزش ویژه بالای ۱ شناسایی شد و به‌عنوان عوامل قابل استخراج تعیین گردید. با توجه به شاخص‌های آماری با استفاده از روش تحلیل عوامل اصلی، این چهار عامل در مجموع ۸۹٫۹۲۷ درصد از واریانس کل متغیرها را توانستند تبیین کنند. نتایج پژوهش نشان داد عوامل سیاسی و روابط بین‌المللی با مجموع بار عاملی ۴٫۷۶۵، عوامل کلان اقتصادی با مجموع بار عاملی ۳٫۲۰۵، عامل ساختار بودجه با مجموع بار عاملی ۱٫۹۴۲ و عوامل امنیتی با مجموع بار عاملی ۱٫۸۶۱ به‌ترتیب مهم‌ترین عوامل کاهش کسری بودجه در ایران به‌شمار می‌آیند.

طبقه‌بندی JEL: G31، H72، C71.

* نویسنده مسئول:

دکتر نبی امیدی

نشانی: تهران، دانشگاه پیام نور

تلفن: ۹۸(۹۱۲)۹۲۵۹۴۶۷+

پست الکترونیک: nabiomidi@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

در بسیاری از کشورها، از سیاست کسری بودجه به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست مالی استفاده می‌کنند. اغلب اگر کسری بودجه دولت به‌جهت افزایش مخارج جاری (حقوق و دستمزد و مخارج مصرفی) باشد، با شکل‌گیری و افزایش تقاضای کل احتمال تورم وجود دارد؛ اما اگر کسری بودجه به‌صورت کنترل‌شده و برای اعمال سیاست‌های فعال مالی از طریق سرمایه‌گذاری اقتصادی باشد، می‌تواند سیاستی در راستای بهبود فضای کسب‌وکار، خروج از رکود و هدایت اقتصاد به سمت اقتصاد کامل قلمداد شود. مطابق گزارش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (۲۰۱۸)، وجود کسری بودجه‌های مزمّن در کشورها سرعت انباشت بدهی دولت را افزایش داده است. به همین دلیل در کشورهای در حال توسعه، ارتباط میان بدهی دولت و تورم تأیید می‌شود؛ در حالی که این ارتباط در کشورهای توسعه‌یافته تأیید نمی‌شود. بایترز و توماس^۱ (۲۰۱۱) و باستو و باترس^۲ (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که در کشورهای توسعه‌یافته بین کسری بودجه و تورم ارتباط وجود ندارد و معتقدند استقلال بانک‌های مرکزی از یک سو سیاست پولی مناسب با تورم پایین را ممکن کرده و از سوی دیگر دولت‌ها را از وسوسه پولی کردن بدهی دور نگه داشته است؛ به‌گونه‌ای که میان کسری بودجه و تورم ارتباطی مشاهده نمی‌شود. در برخی مطالعات مانند آکتش، کیا و اوزل^۳ (۲۰۱۰) بر نقش تورم و بهره در کسری بودجه به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه تأکید دارند.

دهه ۱۳۹۰ یکی از عجیب‌ترین و البته سخت‌ترین سال‌های بودجه‌ریزی دولتی در ایران بوده است. در ابتدای این دهه، تحریم‌های بین‌المللی وجود داشت، اما به شدت سال‌های پایانی آن نبود. در یک مقطع از آن، با توافق برجانی شکل گرفته با قدرت‌های بین‌المللی، وضعیت اقتصادی بهبود یافت؛ ولی پس از مدتی مجدد با برهم خوردن توافق و شکل‌گیری تحریم و کاهش فروش نفت، دوران سختی در اقتصاد ایران به‌وجود آمد که کسری بودجه و آثار مترتب بر آن نشان‌دهنده چنین وضعیتی است. دولت به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، با انتخاب‌های محدودتری برای مدیریت کسری بودجه و تأمین آن مواجه بوده است. در این دهه به دلیل ایجاد شرایط خاص اقتصادی و فضای داخلی و بین‌المللی، افزون بر تورم و رکود داخلی و کاهش ارزش پول ملی، مسئله تحریم و کاهش فروش نفت در حوزه بین‌المللی به‌صورت هم‌زمان رخ داد و باعث بروز نابسامانی‌های متعدد و گوناگون در حوزه بودجه‌ریزی و کسری بودجه شد. در تحقیق حاضر، با تأکید بر دهه ۱۳۹۰ و شرایط خاص آن، تلاش شده است عوامل مؤثر بر کاهش کسری بودجه شناسایی و بررسی شود.

1. Bywaters & Thomas
2. Bassetto & Butters
3. Aktas, Kaya & Özlale

۲. پیشینه تحقیق

ساعدی سارخانلو و درگاهی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان تبیین عوامل مؤثر بر کسری بودجه در ایران با تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی و اقتصاد سیاسی، به این نتیجه رسیدند که نسبت تراز عملیاتی و سرمایه‌ای به تولید ناخالص داخلی^۴ به‌عنوان شاخص کسری بودجه، با اندازه دولت، نسبت نوسان‌های مخارج به نوسان‌های درآمد دولت، شکاف تولید، شکاف تورم، و شاخص نابرابری درآمد دارای رابطه مستقیم است. همچنین چرخه رونق اقتصادی که به‌طور عمده با رونق نفتی همراه است، به‌دلیل ویژگی‌های اقتصاد متکی به وفور منابع طبیعی، به افزایش بیش از اندازه هزینه‌های دولت منجر می‌انجامد و در نهایت کسری بودجه را افزایش می‌دهد. در دوران رکود اقتصادی که با کاهش درآمدهای نفتی همراه است، چسبندگی هزینه‌های دولت، به‌ویژه هزینه‌های جاری، به افزایش کسری بودجه منجر می‌شود. از سوی دیگر شاخص‌های اقتصاد سیاسی همچون ضعف قدرت دولت و تأثیر فشار گروه‌های سیاسی، بر تشدید کسری بودجه مؤثر است. در سال‌هایی که امکان استفاده از منابع حساب ذخیره و صندوق توسعه ملی برای تأمین کسری بودجه فراهم بوده، اثر ثروت بر تشدید کسری بودجه تأیید شده است.

حسینی‌پور (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان بررسی روابط علت و معلولی کسری بودجه، عرضه پول و نرخ تورم در ایران، نشان دادند حجم پول و کسری بودجه تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ تورم در طی دوره مورد بررسی دارد؛ همچنین براساس نتایج آزمون علیت گرنجر، یک رابطه مستقیم یا غیرمستقیم بین تمام متغیرها در مدل وجود دارد. برپایه نتایج این پژوهش، عرضه پول علت تورم و کسری بودجه علت عرضه پول است و افزایش مداوم در کسری بودجه به عرضه بیشتر پول و عرضه پول به افزایش تورم می‌انجامد. از سوی دیگر رابطه علت و معلولی دوطرفه بین کسری بودجه و تورم وجود دارد.

سلاطین، غفاری صومعه و محمدی (۱۳۹۷) با استفاده از اطلاعات سری زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ بانک جهانی نشان دادند افزون بر مؤلفه‌های اقتصادی، شاخص حاکمیت قانون در اقتصاد نیز بر کسری بودجه اثر دارد.

چهرازی مدرسه و نجاتی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان اثر بدهی‌های عمومی و بهره‌وری بر رشد اقتصادی در ایران بیان کردند افزایش مستمر هزینه‌های دولت به وسیع‌تر شدن شکاف کسری مالی و به‌موجب آن استقراض دولت از منابع داخلی و خارجی منجر می‌شود. در ایران نیز به‌دلیل مشکلات متعددی که اقتصاد طی سال‌های اخیر با آن‌ها مواجه بوده، تأمین بخشی از درآمدها و هزینه‌های دولت از طریق کسری بودجه متداول بوده است. پیامدهای اقتصادی کسری بودجه بالا در بدهی عمومی سنگین است که عمدتاً بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد.

4. Gross Domestic Product (GDP)

حاجی‌امینی، فلاحی و احمدی‌شادمهری (۱۳۹۶) در بررسی تأثیر ساختار کسری بودجه بر نقدینگی در اقتصاد ایران، به این نتیجه رسیدند که تغییرات کسری بودجه کل و نقدینگی الزاماً هم‌جهت نیستند. تصمیمات دولت درباره افزایش کسری بودجه عملیاتی که منعکس‌کننده عملیات جاری دولت است، موجب افزایش کسری بودجه کل و نقدینگی می‌شود. اما شوک‌های مازاد تراز سرمایه که عمدتاً بازتاب‌دهنده تحولات نفتی اقتصاد ایران است، با وجود کاهش یا افزایش کسری بودجه کل، تأثیری بر نقدینگی ندارد. بنابراین کسری بودجه عملیاتی و نه الزاماً کسری بودجه کل یا مازاد تراز سرمایه در کوتاه مدت و بلندمدت محرک اصلی تغییرات نقدینگی است و تکانه‌های بازار نفت به خودی‌خود آثار دائمی بر نقدینگی ندارد. بدین ترتیب، برای موفقیت در مهار تورم لازم است اصلاحات بودجه‌ای با محوریت کسری بودجه عملیاتی کوچک و انعطاف‌پذیر، توازن ادواری کسری بودجه عملیاتی و کاهش تسلط بودجه بر سیستم بانکی دنبال شود.

کميجانی و ورهرامی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان برآورد نقش عوامل مؤثر بر کسری بودجه در ایران، جهت آزمون اثرگذاری متغیرها از آمار سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۷ و برای آزمون نحوه اثرگذاری متغیرها بر کسری بودجه از روش حداقل مربعات معمولی استفاده کردند. نتایج این مطالعه حاکی از اثر منفی درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی و رشد اقتصادی بر کسری بودجه و اثر مثبت یارانه‌ها و هزینه‌های عمومی دولت بر کسری بودجه دولت است.

مالتریتز و ووست^۵ (2015) با به‌کارگیری روش داده‌های ترکیبی، عوامل مؤثر بر کسری بودجه را در ۲۷ کشور اتحادیه اروپا تعیین کردند. طبق نتایج این پژوهش، بدهی زیاد تراز بودجه را بهبود می‌بخشد و کسری بودجه را کاهش می‌دهد. نرخ بیکاری زیاد به کسری بودجه بیشتر در سال‌های انتخابات منجر می‌شود. همچنین قواعد مالی به‌طور معناداری باعث کاهش کسری بودجه می‌شود.

هان و کلومپ^۶ (2013) با مطالعه در خصوص کشورهای اتحادیه اروپا با روش داده‌های ترکیبی نشان دادند کسری بودجه با وجود نهادهای بودجه‌ای باکیفیت کاهش می‌یابد و در این صورت، تنوع گروه‌ها و سلیقه‌های سیاسی اهمیت ندارد.

بلودرنگ و لیگ^۷ (2011) در چارچوب فرضیه کسری‌های دوگانه بیان کردند کسری بودجه و تراز حساب تجاری با هم ارتباط دارد.

5. Maltritz & Wüste

6. Haan & Klomp

7. Bluedorn & Leigh

ارهارت، مینیا و ویلیو^۸ (2011) با فرض تأمین مالی بخشی از سرمایه‌گذاری عمومی از طریق حق‌الضرب نشان دادند کسری بودجه بزرگ‌تر رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.

آنگولو و سوسا^۹ (2009) با استفاده از داده‌های ۱۲۵ کشور اظهار کردند مردم‌سالاری نوسان‌های کسری بودجه عمومی را کاهش می‌دهد و بی‌ثباتی سیاسی و تورم با نوسان‌های کسری بودجه رابطه مستقیم دارد.

بوهن^{۱۰} (2006) در پژوهش‌هایشان به این نتیجه رسیدند که در کشورهای درحال توسعه به‌دلیل ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مانند قطبی شدن اجتماعی، استقلال عملی کمتر بانک مرکزی، سطح پایین‌تر آزادی اقتصادی، نظام سیاسی کمتر دموکراتیک و سطح پایین‌تر دسترسی به تأمین مالی بین‌المللی، اثرگذاری مخارج دولت و کسری بودجه بر پول گسترده‌تر و بادوام‌تر شده است.

فیشر، ساهای و ویگ^{۱۱} (2002) با استفاده از اطلاعات مقطعی و سری زمانی ۱۶۱ کشور (۱۳۳ کشور اقتصاد آزاد و ۲۸ کشور درحال‌گذار) به بررسی ارتباط کسری بودجه، حق‌الضرب و پول پرداختند. آن‌ها براساس دوره‌های تورمی تجربه‌شده در دنیا (بیش از ۴۵,۰۰۰ مشاهده) به این نتیجه دست یافتند که بین تراز مالی، حق‌الضرب و نرخ رشد پول ارتباط بلندمدت وجود دارد.

تفاوت پژوهش حاضر با تحقیقات بررسی‌شده، شناسایی عوامل کاهش کسری بودجه در ایران با توجه به شرایط، موانع و مشکلات خاصی است که کشور در دهه ۱۳۹۰ با آن‌ها مواجه بوده است. در این دهه، به‌دلیل ایجاد پیچیدگی‌های داخلی و مسائل بین‌المللی کسری بودجه ابعاد گسترده‌تری یافت.

۳. چارچوب نظری

طی سال‌های متمادی، مکاتب مختلف نظریات گوناگونی درباره عوامل مؤثر بر کسری بودجه بیان کرده‌اند. برای نمونه کینزین‌ها اعتقاد داشتند کسری یا مازاد بودجه می‌تواند در بهبود نوسانات اقتصادی مؤثر عمل کند؛ به‌گونه‌ای که در دوره رکود، میزان تولید و نیز درآمد ملی پایین است؛ از همین‌رو دولت با اعمال سیاست‌های کسری بودجه از طریق افزایش هزینه‌های خود، تا حدودی به کاهش رکود اقتصادی دست می‌یازد (کميجانی و ورهرامی، ۱۳۹۱، صص. ۲۷-۴۲).

-
8. Ehrhart, Minea & Villieu
 9. Agnello & Sousa
 10. Bohn
 11. Fischer, Sahay & Végh

جدول ۱. انواع کسری بودجه

کسری بودجه اداری در نتیجه فقدان سازمان صحیح اداری به وجود می‌آید. در این نوع، به علت سازمان ناقص و در نتیجه ناهماهنگی در کار، مخارج اداری اغلب حیف و میل می‌گردد و بازده کارمندان دولت به شدت کم می‌شود؛ به خصوص اگر در این نوع کسری بودجه، بدون توجه به اصول مدیریت و سازمان از نظر بهره‌برداری از کادر موجود، دولت مجبور شود از نظر اجرای وظایف عمومی به استخدام جدید کارمند متوسل گردد، به تدریج مخارج اداری نامتناسب با سایر مخارج افزایش می‌یابد و در نتیجه در بودجه عادی دولت کسری بودجه به صورت افزایش مخارج اداری ظاهر می‌شود. اقتصاددانان به این نوع کسری بودجه کسری بودجه غیرمعقول می‌گویند که باید دولت با تمام قوا در طرد آن بکوشد.

کسری بودجه اداری
(غیر معقول)

کسری بودجه ناشی از شرایط اقتصادی در تعقیب تغییر اوضاع اقتصادی از مرحله‌ای به مرحله دیگر بروز می‌کند. مثال: حرکت از اقتصاد دولتی به سمت اقتصاد بازار خصوصی. این نوع کسری بودجه به علت فقدان هماهنگی و تقارن بین درآمدها و مخارج عمومی در بودجه ظاهر می‌شود؛ به این ترتیب که درآمدها در مراحل مختلف تغییر وضع اقتصادی هماهنگی خود را با مخارج از دست می‌دهند و در نتیجه کسری بودجه ظاهر می‌شود. کاهش درآمدهای دولت از نظر اقتصادی، گاه ممکن است بر اثر نوسانات خیلی کوتاه، مانند نوسانات فصلی و گاه بر اثر حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله باشد. چنین کسری بودجه‌هایی در مالیه جدید گریزناپذیر تلقی می‌شود و باید تا حدودی آن را پذیرفت.

کسری بودجه از نوع معقول به دلایل زیر به وجود می‌آید:
الف. به علت تغییر شرایط اقتصادی از دوره رونق به مرحله بحران و رکود ایجاد می‌شود. در دوره‌هایی تغییرات زیادی در وصول درآمد ایجاد می‌شود؛ در حالی که دولت تعهدات زیادی انجام داده است و قادر به کاهش مخارج خود نیست. دولت در دوره‌هایی مانند رکورد اقتصادی نه فقط نمی‌تواند مخارجش را محدود کند، بلکه گاهی به افزایش هزینه روی می‌آورد. بنابراین در مراحل رشد اقتصادی با افزایش درآمد مواجه است؛ ولی در مراحل تنزل و منع اقتصادی دچار کسری بودجه می‌شود؛ ب. تغییرات و نوسانات فصلی کوتاه مدت ممکن است موجب کاهش درآمدهای دولت شود؛ مانند کاهش قیمت نفت و کاهش محصولات کشاورزی؛

کسری بودجه ناشی از
شرایط خاص اقتصادی

ج. به سبب حوادث غیرمترقبه که محصولات ملی را کاهش می‌دهد و ظرفیت مالیاتی جامعه محدود می‌شود و سهم مالیات دریافتی دولت کاهش می‌یابد. کسری بودجه ناشی از اوضاع اقتصادی گریزناپذیر است. در چنین شرایطی، اگر دولت هزینه‌های خود را کاهش دهد، وضع اقتصادی بدتر خواهد شد.

این نوع کسری بودجه در پی ناهماهنگی بین دخل و خرج عمومی بروز می‌کند. ناهماهنگی گاه در نتیجه افزایش مخارج عمرانی به منظور تقویت زیربنای اقتصادی در بلندمدت به وقوع می‌پیوندد؛ به طوری که در پی آن ساختمان اجتماعی و اقتصادی تحول می‌یابد و اقتصاد کشور از مراحل ابتدایی توسعه اقتصادی به مراحل بالاتر پیشرفت می‌کند.

کسری بودجه مربوط به
ساختار اقتصادی

هرگاه دولت به دلیل افزایش هزینه‌ها، کاهش درآمدها یا غیرواقعی بودن درآمد و تحقق نیافتن آن با کسری بودجه مواجه شود، به منظور عمل به تعهدات بودجه‌ای و فراهم کردن هزینه‌های طرح‌شده در قانون بودجه، باید در خصوص تأمین کسری بودجه اقدام کند. استقرار از منابع بانک مرکزی نیز یکی از راه‌های تأمین کسری بودجه دولت است که البته به دلیل افزایش بدهی دولت به نظام بانکی، موجب افزایش پایه پولی می‌شود و عوارض آن افزایش نقدینگی و تورم در جامعه خواهد بود. ایجاد بدهی (تعهد)، پیش‌فروش کالا و خدمات،

ایجاد درآمدهای جدید، کاهش هزینه‌ها، دریافت وام (استقراض) از بانک‌های داخلی و خارجی از راهکارهای دولت به‌منظور تأمین کسری بودجه به‌شمار می‌آید که در زیر هر کدام از این راهکارها تشریح می‌شود.

جدول ۲. راهکارهای تأمین کسری بودجه

<p>انتشار اوراق قرضه (اوراق مشارکت) به‌عنوان تعهد دولت به صاحبان (خریداران) اوراق به‌منظور فراهم‌سازی اعتبار برای رفع کسری بودجه، دولت تضمین خواهد کرد سود مشارکت (یا بهره) اوراق قرضه را در سررسید اوراق پرداخت کند.</p> <p>دولت می‌تواند با انتشار اوراق قرضه دولتی، پس‌اندازهای کوچک و کم‌حجم مردم را جمع‌آوری و به‌سوی سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی هدایت کند. دولت با انتشار و فروش اوراق قرضه دولتی ضمن اجرای برنامه‌های تولیدی و عمرانی خود، از آنجا که پول تازه‌ای را به جامعه تزریق نمی‌کند، موجب ایجاد تورم نخواهد شد. روی آوردن دولت به چاپ و انتشار اوراق بهادار (استقراض داخلی) به‌معنای افزایش تقاضای دولت برای اعتبارات است که اولین تأثیر آن در بازار پولی، افزایش نرخ بهره و بدنبال آن کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است.</p> <p>اگر دولت‌ها نتوانند در پرداخت تعهداتشان (اصل و سود اوراق بهادار) در سررسید اقدام کنند، اعتماد خریداران به اوراق دولت کاهش می‌یابد و دولت‌ها دیگر نمی‌توانند به‌صورت مناسب از این ابزار استفاده کنند.</p>	<p>ایجاد بدهی (تعهد)</p>
<p>دولت می‌تواند با ورود به بازارهای آتی، به پیش‌فروش کالا یا خدماتش به جوامع هدف اقدام کند.</p>	<p>پیش‌فروش کالا و خدمات</p>
<p>از طریق افزایش قیمت و تعرفه کالا و خدمات دولتی، شناسایی منابع جدید مالیاتی، افزایش نرخ مالیات، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و ...</p>	<p>ایجاد درآمدهای جدید</p>
<p>راهکاری عمومی و در دسترس است. معمولاً در زمان کسری بودجه، دولت‌ها همواره می‌کوشند با مدیریت و کاهش هزینه‌ها، به کاهش تبعات کسری بودجه اقدام کنند. کاهش هزینه‌ها از روش‌های زیر صورت می‌گیرد:</p> <ul style="list-style-type: none"> - کاهش هزینه‌های جاری؛ - رعایت صرفه‌جویی یا حذف هزینه‌های غیر ضروری؛ - کاهش هزینه‌های عمرانی با تعیین اولویت می‌تواند طرح‌های عمرانی را که اولویت کمتری دارند، حذف کند. <p>معمولاً دولت‌ها در زمان کسری بودجه، کاهش هزینه‌ها را به‌همراه سایر راهکارها در نظر می‌گیرند.</p>	<p>کاهش هزینه‌ها</p>
<p>دولت می‌تواند برای جبران کسری بودجه از بانک مرکزی وام دریافت کند. تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از نظام بانکی به‌معنای افزایش نقدینگی و بدنبال آن افزایش نرخ تورم است. تورم درجه اعتماد مردم به توان کارشناسی دولت و قدرت طراحی و اجرا و نحوه علامت‌دهی سیاست‌گذاران به جامعه را تعیین می‌کند. ترسیم تصویر غیرواقعی بسیار خوش‌بینانه از نتایج کار به همان اندازه مضر و خطرناک است که تصویر بسیار تیره از آن؛ زیرا اگر در چنین شرایطی ارزش کالا، اعم از تولیدات داخلی یا واردات، متناسب با برداشت از نظام بانکی و خروج آن نباشد، به‌یقین قیمت‌ها افزایش خواهد یافت. در ایران عمده‌ترین راه تأمین کسری بودجه، استقراض از نظام بانکی است. اما این راه تأمین کسری بودجه چند سالی است که از سوی مجلس ممنوع شده است.</p>	<p>دریافت وام از منابع داخلی</p>
<p>ایجاد بدهی در قالب دریافت اعتبارات از سازمان‌های بین‌المللی، بانک‌ها، صندوق‌ها یا دولت‌های خارجی.</p>	<p>دریافت وام از منابع خارجی</p>

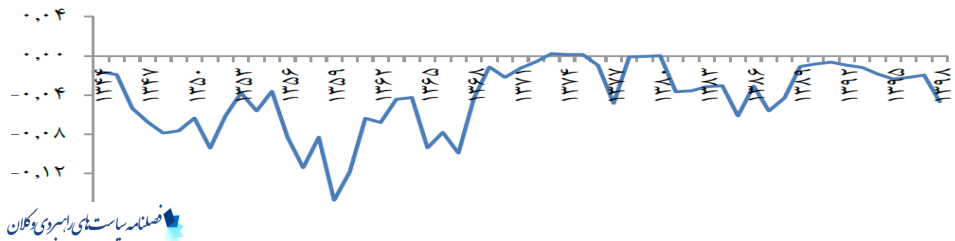
به‌طور کلی چهار رویکرد در بحث شکل‌گیری کسری بودجه و پیامدهای آن وجود دارد: ریکاردویی، کینزی، نئوکلاسیک و نظریهٔ چرخهٔ سیاسی بودجه. همچنین براساس میانی تجربی، عواملی مانند رشد اقتصادی، انباشت بدهی، نرخ بیکاری، تراز تجاری، مخارج دفاعی، عوامل سیاسی و کیفیت نهادهای بودجه از تعیین‌کننده‌های کسری بودجه به‌شمار می‌آید (Mawejje & Odhiambo, 2020:59-78).

جدول ۳. رویکردهای کسری بودجه

توضیح مختصر	رویکرد
کاهش مالیات و تأمین کسری بودجه مالیات را تا نسل بعدی به‌تعویق می‌اندازد. به عبارت دیگر، کسری بودجهٔ جاری نشان‌دهندهٔ افزایش مالیات در آینده است و بدین جهت دارای اثر حقیقی نیست و در بلندمدت تبعاتی برای متغیرهای کلان ندارد.	ریکاردویی
فرض می‌شود اقتصاد در شرایط رکودی است و افراد با محدودیت نقدینگی مواجه‌اند. بنابراین مصرف کل به تغییر درآمد قابل تصرف بسیار حساس است که بالا بودن میل نهایی به مصرف را نشان می‌دهد.	کینزی
الگوی استاندارد نئوکلاسیکی سه ویژگی اصلی دارد: ۱. مصرف هر فرد از راه‌حل مسئله بهینه‌سازی بین‌دوره‌ای با فرض امکان دادن و گرفتن وام تعیین می‌شود؛ ۲. افراد با عمر محدود به یک نسل مشخص تعلق دارند که با نسل‌های دیگر هم‌پوش است؛ ۳. بازارها در تمام دوران تسویه‌شونده‌اند.	نئوکلاسیک
تعارضات سیاسی منافع انگیزه‌هایی را برای سیاست‌مداران (برای مثال پیروزی در انتخابات) در افزایش کسری بودجه به‌وجود می‌آورد.	چرخهٔ سیاسی بودجه

۳-۱. کسری در بودجهٔ ایران

در سال‌های گذشته، همواره کسری بودجه پدیده‌ای ثابت در اقتصاد ایران بوده است (ساعدی سارخانلو و درگاهی، ۱۴۰۰). هرچند کسری بودجهٔ اندک و غیرمستمر می‌تواند در فعال‌سازی اقتصاد نقشی مثبت داشته باشد، کسری بودجهٔ زیاد و مستمر آثار نامطلوبی بر عملکرد اقتصاد برجای خواهد گذاشت (هادیان، استادزاد و صفوی، ۱۳۹۲، صص. ۱۹-۴۰). با توجه به داده‌های موجود، در شکل ۱، روند زمانی نسبت تراز عملیاتی و سرمایه‌های به تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص کسری بودجهٔ دولت در پنجاه سال گذشته نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مشخصهٔ اصلی این دوران، استمرار کسری بودجه و در عین حال نوسان شدید دامنهٔ مقدار آن نسبت به مقیاس تولید ناخالص داخلی کشور است. ناتوانی دولت‌ها در حفظ توازن بین منابع و مصارف در بودجه، در بیشتر سال‌ها بیانگر انباشت بدهی و ناپایداری در بودجه است.



شکل ۱. نسبت تراز عملیاتی و سرمایه‌های به تولید ناخالص داخلی

(منبع: داده‌های بانک مرکزی، داده‌های سازمان برنامه و بودجه و داده‌های مرکز آمار ایران)

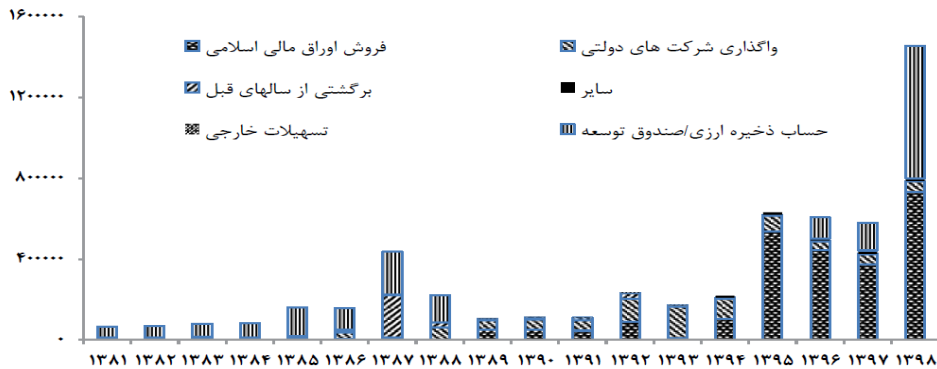
در جدول ۴، عملکرد اخیر بودجه عمومی دولت در دهه ۱۳۹۰ بیان شده است. کسری تراز عملیاتی و سرمایه‌های در تمام این دوره به صورت مزمن ادامه داشته و افزایش یافته است.

جدول ۴. عملکرد بودجه عمومی دولت (۱۳۹۸-۱۳۹۰)

عنوان / سال	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰
درآمدها	۲۱۷۱۸۸۵	۱۸۳۸۰۷۶	۱۶۷۶۰۳۳	۱۴۶۰۶۵۵	۱۱۲۳۷۴۵	۹۷۷۵۹۴	۶۸۵۸۰۷	۶۵۳۲۹۷	۶۰۹۹۹۰
درآمدهای مالیاتی	۱۶۱۹۷۰۵	۱۲۶۴۱۰۷	۱۱۵۸۳۷۵	۱۰۱۴۷۰۴	۷۹۱۸۹۰	۷۰۹۶۵۲	۴۹۴۲۵۰	۴۵۴۰۰۴	۴۰۴۴۴۲
مالیات‌ها	۱۴۳۰۷۸۵	۱۰۷۶۷۳۴	۹۳۱۶۶۱	۸۳۱۷۶۵	۶۷۶۳۴۸	۵۷۶۲۲۶	۴۱۳۸۵۲	۳۴۰۶۴۵	۳۰۶۵۱۱
اجزای مالیات‌ها - حقوق ورودی	۱۸۸۹۲۰	۱۸۷۳۷۳	۲۲۶۷۱۴	۱۸۲۳۹۹	۱۱۵۵۴۲	۱۳۳۴۲۶	۸۰۳۹۸	۱۱۳۳۵۹	۹۷۹۳۱
سایر درآمدها	۵۵۲۱۸۰	۵۷۳۹۶۹	۵۱۷۶۵۸	۴۴۵۹۵۱	۳۳۱۸۵۵	۲۶۷۹۴۲	۱۹۱۵۵۷	۱۹۹۲۹۳	۲۰۵۵۴۸
اعتبارات هزینه‌ای	۳۴۰۴۸۵۲	۲۷۶۷۳۳۸	۲۴۲۹۳۷۱	۲۰۷۰۱۷۷	۱۷۰۹۸۰۵	۱۴۳۸۳۱۶	۱۱۹۷۶۴۷	۹۹۷۱۵۲	۸۹۷۹۲۱
تراز عملیاتی	-۱۲۳۲۹۶۷	-۹۲۹۲۶۲	-۷۵۳۳۳۸	-۵۰۹۵۲۲	-۵۸۶۰۶۰	-۴۶۰۷۲۲	-۵۱۱۸۴۰	-۳۴۳۸۵۵	-۲۸۷۹۳۱
واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	۵۵۹۵۹۳	۱۱۰۹۲۱۳	۹۲۲۸۷۷	۷۴۲۷۹۹	۶۷۳۵۷۹	۶۳۱۹۰۷	۶۴۳۶۴۴	۶۹۸۷۶۵	۵۹۰۷۱۱
اجزای واگذاری حاصل از نفت و گاز دارایی‌های و خوراک پتروشیمی	۵۱۹۱۶۰	۱۱۰۵۴۲۸	۹۱۹۲۲۶	۷۳۸۸۱۹	۶۷۰۳۵۴	۶۲۹۲۰۶	۶۴۰۹۷۷	۶۸۳۶۰۸	۵۷۱۱۱۸
سرمایه‌ای فروش اموال و سایر	۴۰۴۳۳	۳۷۸۵	۳۶۵۱	۳۹۸۰	۳۲۲۵	۲۷۰۱	۲۶۶۷	۱۵۱۵۷	۱۹۵۹۳
تملك دارایی‌های سرمایه‌ای	۵۴۳۲۷۵	۴۸۵۷۸۰	۴۱۹۲۵۶	۳۸۳۵۲۸	۲۶۹۰۷۱	۲۷۸۳۵۲	۲۰۳۳۳۳	۳۸۴۶۰۳	۳۴۹۷۴۹
تراز دارایی‌های سرمایه‌ای	۱۶۳۱۸	۶۲۳۴۳۳	۵۰۳۶۲۱	۳۵۹۲۷۱	۴۰۴۵۰۸	۳۵۳۵۵۵	۴۴۰۳۱۱	۳۱۴۱۶۲	۲۴۰۹۶۲
جمع تراز عملیاتی و سرمایه‌ای	-۱۲۱۶۶۴۹	-۳۰۵۸۲۹	-۲۴۹۷۱۷	-۲۰۵۲۵۱	-۱۸۱۵۵۲	-۱۰۷۱۶۷	-۷۱۵۲۹	-۲۹۶۹۳	-۴۶۹۶۹

(منبع: گزارش سازمان برنامه و بودجه)

برای جبران کسری بودجه در دهه ۱۳۸۰، حساب ذخیره ارزی محل عمده جبران کسری تراز عملیاتی سرمایه‌های بوده و از ابتدای دهه ۱۳۹۰، فروش اوراق و واگذاری شرکت‌های دولتی بخش عمده جبران کسری را بر عهده گرفته است. از اواسط دهه ۱۳۹۰، رشد اوراق در تأمین مالی کسری و استقراض از صندوق توسعه ملی کاملاً بارز و البته قابل تأمل از زاویه پایداری مالی دولت است (ساعدی سارخانلو و درگاهی، ۱۴۰۰).



شکل ۲. ترکیب منابع مورد استفاده برای تأمین مالی کسری بودجه

(منبع: داده‌های بانک مرکزی)

۴. روش تحقیق

این پژوهش از نظر روش، پیمایشی، از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ نوع داده‌ها نیز کمی است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^{۱۲} به‌عنوان نرم‌افزار اصلی و از نرم‌افزار لیزرل^{۱۳} به‌عنوان نرم‌افزار کمکی برای روش تحلیل عاملی (از نوع اکتشافی) استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل ۲۴۰ نفر از کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها، استادان و مدرسان رشته‌های علوم اقتصادی، مدیریت مالی و حسابداری دانشگاه پیام نور، و مدیران دستگاه‌های اجرایی مرتبط بودند که از این میان با استفاده از فرمول کوکران^{۱۴}، ۱۴۸ نفر براساس روش نمونه‌گیری گروهی^{۱۵} به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در این روش نمونه‌گیری، جامعه به گروه‌های متجانس تقسیم می‌شود و هر گروه تشکیل‌شده از افرادی است که ویژگی‌های مشابه دارند. پس از دسته‌بندی جامعه به گروه‌های متجانس، تعداد نمونه نسبت به هر گروه مشخص می‌گردد و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده یا منظم، تعداد عناصر مورد نیاز از هر گروه انتخاب می‌شود. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (نمونه‌گیری گروهی) هنگامی به کار می‌رود که محقق اطمینان داشته باشد اعضای جامعه مورد بررسی از نظر پاره‌ای ویژگی‌ها (صفات) با هم متفاوت باشند. از مجموع نمونه انتخاب‌شده، ۱۳۵ نفر به پرسش‌نامه‌ها به‌صورت کامل پاسخ دادند که در تحلیل داده‌های از آن‌ها استفاده شد. در **جدول ۵**، حجم نمونه انتخابی از جوامع مختلف آمده است.

12. SPSS

13. LISREL

14. Cochran formula

15. Stratified random sampling

جدول ۵. جوامع پژوهش و حجم نمونه

ردیف	جامعه پژوهش	حجم نمونه
۱	کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها	۴۱
۲	استادان علوم اقتصادی، مدیریت و حسابداری	۷۰
۳	مدیران دستگاه‌های اجرایی مرتبط	۳۷
	مجموع کل پرسش‌نامه‌های ارسالی	۱۴۸
	مجموع کل پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده دریافتی	۱۳۵

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

پس از بررسی تحقیقات و طرح‌های پژوهشی مراکز علمی، اجرایی و دانشگاهی به‌منظور به‌کارگیری مناسب ابزار تحقیق، مهم‌ترین متغیرها (گویه‌ها) استخراج شد و سپس پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته با چهار سؤال و با استفاده از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت تهیه گردید و در اختیار جمعیت نمونه قرار داده شد (برای اعضای نمونه ارسال پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزار گوگل داکس^{۱۶} انجام شد). به‌منظور تعیین نرمال بودن توزیع جامعه از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف^{۱۷} استفاده شد. نتایج آزمون در **جدول ۶** نشان‌دهنده نرمال بودن جامعه آماری است.

جدول ۶. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن توزیع جامعه

۱۴۸	N	
۱,۹۰۱	Mean	Normal parameters
۰,۸	Std. Deviation	
۰,۳	Absolute	Most Extreme Differences
۰,۲۱۱	Positive	
-۰,۳	Negative	
۳,۸	Kolmogorov- Smirnov	
۰,۰۰۰	(Asymp. Sig. (2 tailed	

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

16. Google Docs

17. Kolmogorov- Smirnov test

برای پایایی گزاره‌های پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ، و برای اعمال روایی در پرسش‌نامه از روش غربال‌زنی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ تمام گزاره‌ها مقادیر بیشتر از ۰٫۸ بوده که نشان‌دهنده تأیید پایایی پرسش‌نامه است. برای افزایش روایی^{۱۸} افزون بر تأیید آن به روش غربال‌زنی، روایی صوری پرسش‌نامه نیز از سوی استادان گروه آمار دانشگاه بازرگاری و تأیید شد.

از آنجا که اساسی‌ترین کاربرد تحلیل عاملی کاهش تعداد متغیرها به عوامل محدودتری است که معمولاً به صورت غیرمستقیم در متغیر اصلی مؤثر است، در این تحقیق نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و کاهش تعداد متغیرها از این روش استفاده شده است. با توجه به مطالعات صورت گرفته درباره موضوع تحقیق حاضر و نیز با تکیه بر نتایج سایر تحقیقات و طرح‌های پژوهشی دردسترس و درنهایت مشورت با خبرگان، ۴۷ متغیر شناسایی شد که پس از بررسی بیشتر، ۱۷ متغیر به نوعی جزئی از سایر متغیرها به‌شمار می‌رفت؛ لذا در شمول آن متغیر قرار گرفت.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

همان‌گونه که اشاره شد، از مجموع ۱۴۸ پرسش‌نامه ارسالی برای نمونه پژوهش، ۱۳۵ پرسش‌نامه تکمیل شده دریافت شد که داده‌های این پرسش‌نامه در آنالیزهای تحلیلی به کار رفت. نتایج تحلیلی - توصیفی ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان به صورت تجمیع شده در **جدول ۷** نشان داده شده است. طبق این نتایج، ۷۹ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد بودند؛ بیشترین طبقه سنی مربوط به رده سنی ۴۱ تا ۵۰ سال بود که شامل ۴۲ درصد از پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه می‌شد؛ ۳۴ درصد از تکمیل‌کنندگان پرسش‌نامه دارای مدرک دکترا و دانشجوی مقطع دکتری بودند، ۳۱ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۲۶ درصد کارشناسی و ۹ درصد فوق‌دیپلم و پایین‌تر بودند؛ ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با بیشترین فراوانی سابقه کاری ۱۰ تا ۲۰ سال داشتند.

۵-۲. تحلیل عاملی عوامل

پس از جمع‌آوری داده‌ها و وارد کردن آن‌ها در نرم‌افزار اسپاس برای بررسی تناسب و کفایت نمونه‌گیری در تحلیل عاملی و همچنین تعیین انسجام درونی داده‌ها از آزمون KMO^{۱۹} و بارتلت^{۲۰} استفاده شد که نتایج آن در **جدول ۸** بیان شده است.

18. validity

19. Kaiser-Myser-Oklin

20. Bartlet test

جدول ۷. آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

ویژگی	وضعیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
جنسیت	مرد	۷۹	۵۹	۰,۵۹
	زن	۵۶	۴۱	۱
طبقه سنی	۲۰ تا ۴۰	۴۱	۳۰	۰,۳۰
	۴۱ تا ۵۰	۵۶	۴۲	۰,۷۲
	بالای ۵۰	۳۸	۲۸	۱
تحصیلات	فوق دیپلم و پایین‌تر	۱۲	۹	۰,۰۹
	کارشناسی	۳۵	۲۶	۰,۳۵
	کارشناسی ارشد	۴۲	۳۱	۰,۶۶
	دانشجوی مقطع دکتری و دکترا	۴۶	۳۴	۱
	کمتر از ۱۰ سال	۳۱	۲۳	۰,۲۳
سابقه کار	۱۰ تا ۲۰ سال	۵۴	۴۰	۰,۴۰
	۲۱ تا ۳۰ سال	۳۶	۲۷	۰,۲۷
	بیشتر از ۳۰ سال	۱۴	۱۰	۱

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

جدول ۸. آزمون KMO و بارتلت برای بررسی تناسب و کفایت نمونه‌گیری در تحلیل عاملی

اندازه کفایت نمونه‌گیری KMO	اندازه
۰,۹۰۱	۰,۹۰۱
ضریب بارتلت	۸۳۳۴,۴۷۲
خی‌دو تقریبی	۱,۹
Sig	۰,۰۰۰
درجه آزادی	۱۹۳

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

در این جدول، اندازه کفایت نمونه‌گیری KMO، آزمون مقدار واریانس درون داده‌هاست که می‌تواند به وسیله عوامل تبیین شود. چنانچه مقدار KMO کمتر از ۰,۵ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰,۵ تا ۰,۶۹ باشد، می‌توان با احتیاط

بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت؛ اما اگر مقدار آن بزرگ‌تر از ۰,۷ باشد، هم‌بستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود (زارع چاهوکی، ۱۳۸۹). از آنجا که مقدار KMO برابر با ۰,۹۰۱ است، کفایت تعداد نمونه‌ها برای به‌کار بردن تحلیل عاملی مورد تأیید قرار می‌گیرد. از طرفی چون سطحی معناداری آزمون کرویت بارلت، کمتر از ۵ درصد است، توانایی عاملی بودن داده‌ها تأیید می‌گردد. این امر تصدیق می‌کند تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مناسب است.

یک تصمیم مهم در اجرای تحلیل عاملی مربوط به تعداد عوامل قابل استخراج برای چرخش است. برای تعیین اینکه چند عامل مناسب برای چرخش وجود دارد، از ملاک‌های مختلفی از جمله ملاک کیسر^{۲۱} و آزمون اسکری کتل^{۲۲} استفاده می‌شود. در این پژوهش، برای تعیین تعداد عوامل از روش کیسر استفاده شده است. برپایه این ملاک، عواملی که ارزش ویژه ۱ یا بیشتر دارند، قابل استخراج‌اند و عواملی که دارای مقادیر ویژه کمتر از ۱ هستند، حضورشان باعث تبیین بیشتر واریانس نمی‌شود و به همین دلیل از تحلیل خارج می‌شوند. در جدول ۹، مشاهده می‌شود چهار عامل دارای ارزش ویژه بزرگ‌تر از ۱ و قابل استخراج‌اند.

جدول ۹. شاخص‌های آماری با استفاده از روش تحلیل عوامل اصلی

عوامل	مجموع مجذورات بارهای استخراج‌شده پس از چرخش		
	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی واریانس
عامل ۱: سیاسی و روابط بین‌المللی	۴,۹	۳۱,۶	۳۱,۶
عامل ۲: کلان اقتصادی	۴,۰۸۲	۲۱,۱۳۷	۵۲,۷۳۷
عامل ۳: ساختار بودجه	۳,۱۱	۱۹,۰۹	۷۱,۸۲۷
عامل ۴: امنیتی	۲,۳۱۳	۱۸,۱	۸۹,۹۲۷

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

هرچند مقادیر ویژه و درصدهای آن در حالت بعد از چرخش نسبت به حالت اولیه تغییر کرده، درصد تجمعی واریانس تبیین‌شده به‌وسیله تمام عناصر استخراج‌شده برابر با حالت اولیه (قبل از چرخش) است. در مجموع می‌توان گفت این چهار عامل ۸۹,۹۲۷ درصد از واریانس کل متغیرها را پوشش می‌دهند. با به‌دست آمدن وضعیت مقادیر ویژه، امکان دستیابی به ماتریس اجزا فراهم می‌شود. همان‌گونه که بیان شد، ۴۷ متغیر شناسایی شد که بعد از بررسی بیشتر،

21. Kaiser criterion

22. Cattel's scree test

۱۷ متغیر به‌نوعی جزئی از سایر متغیرها به‌شمار می‌رفت؛ لذا در شمول آن متغیر قرار گرفت و در نهایت ۳۰ متغیر معرفی شد. بنابراین ماتریس اجزا در این پژوهش شامل بارهای عاملی هریک از ۳۰ متغیر شناسایی شده در چهار عامل اصلی (ضرایب هم‌بستگی بین متغیرها در عوامل) است.

از آنجا که تفسیر این بارهای عاملی بدون چرخش به‌آسانی ممکن نیست، با چرخش عوامل تفسیر بهتری از آن می‌توان به‌دست داد. **جدول ۱۰** ماتریس چرخش یافته اجزا را به روش واریماکس نشان می‌دهد. این جدول میزان هم‌بستگی هر عامل با متغیرهای سی‌گانه را آشکار می‌کند.

جدول ۱۰. بار عاملی بعد از چرخش واریماکس

متغیر	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴
X_1	۰,۹۵۴			
X_2			۰,۵۱۱	
X_3		۰,۶۱۲		
X_4		۰,۴۹		
X_5			۰,۴۷۳	
X_6			۰,۴	
X_7			۰,۴۲۱	
X_8	۰,۹			
X_9	۰,۷۳۱			
X_{10}			۰,۳۸	
X_{11}			۰,۳۹۵	
X_{12}			۰,۳	
X_{13}			۰,۲۸۷	
X_{14}		۰,۳۲۵		
X_{15}			۰,۲۱۱	

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

با مشخص شدن بار عاملی متغیرها بعد از چرخش واریماکس، می‌توان به تعیین عوامل و متغیرهای تعیین‌کننده آن و میزان هم‌بستگی متغیرهای هریک از عوامل (بار عاملی) اقدام کرد. در **جدول ۱۱**، با تفکیک عوامل، میزان هم‌بستگی متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۱۱. عوامل تعیین کننده و بار عاملی متغیرها

شماره عامل	نام عامل	کد متغیر	متغیرهای تعیین کننده عامل (گویه‌ها)	بار عملی
۱	عوامل سیاسی و روابط بین‌المللی	X_1	بهبود روابط بین‌المللی و منطقه‌ای	۰,۹۵۴
		X_8	کاهش تنش و جلوگیری از اقدامات هزینه‌بر بدون محاسبه منافع	۰,۹
		X_9	فعال شدن دیپلماسی اقتصادی	۰,۷۳۱
		X_{17}	تعریف نشدن تحریم به‌عنوان مزیت و کاهش تحریم	۰,۶۲
		X_{24}	اعلام مواضع سیاسی با در نظر گرفتن تبعات و آثار اقتصادی	۰,۵۸
		X_{27}	تنظیم مجدد اصول اقتصاد سیاسی کشور	۰,۵
		X_{28}	عضویت در مجامع اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی	۰,۴۸
		X_3	افزایش تولید ناخالص داخلی	۰,۶۱۲
		X_4	بهبود فضای کسب‌وکار	۰,۴۹
		X_{14}	استحکام بازار سرمایه به‌عنوان منبع تأمین مالی فعالان اقتصادی	۰,۳۲۵
۲	عوامل کلان اقتصادی	X_{16}	تنظیم سیاست‌های اقتصادی با در نظر گرفتن ابعاد مختلف	۰,۳
		X_{18}	تنظیم درآمدهای مالیاتی متناسب با واقعیات اقتصادی کشور	۰,۲۹۷
		X_{19}	افزایش صادرات از طریق ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیر کردن محصولات	۰,۲۶
		X_{20}	بهره‌گیری مناسب و بدون شعار از منابع نفت و گاز (خروج از افراط و تفریط)	۰,۲۴۱
		X_{25}	بهبود وضعیت ارزش پول ملی و کاهش نوسانات مالی، پولی و اقتصادی	۰,۲
		X_{26}	تعریف مورد پذیرش کارکرد بانک و قبول جایگاه آن توسط دولت	۰,۱۹۴
		X_{29}	استقلال واقعی سازمانی بانک مرکزی از طریق تغییر در نحوه انتصاب مدیرعامل	۰,۱۸۶
		X_{30}	مدیریت تورم و نرخ بهره براساس تغییرات اقتصادی و شرایط پولی و مالی دولت	۰,۱

ادامه جدول ۱۱

شماره عامل	نام عامل	کد متغیر	متغیرهای تعیین‌کننده عامل (گویه‌ها)	بار عملی
۳	ساختار بودجه	X_2	حذف ردیف‌های غیرکارآمد و غیرضرور بودجه به‌صورت واقعی	۰,۵۱۱
		X_6	پایش هرساله ردیف‌های بودجه براساس عملکردهای سالانه	۰,۴
		X_{11}	استقرار کامل بودجه‌ریزی عملیاتی به‌عنوان تکلیف برنامه ششم توسعه	۰,۳۹۵
		X_{15}	متناسب‌سازی و به‌روزرسانی قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱	۰,۲۱۱
		X_{21}	هماهنگی بیشتر بودجه با برنامه‌های توسعه پنج‌ساله	۰,۱۸
		X_{22}	تنظیم اصول قابل ارزیابی تخصیص بودجه بعد از تصویب آن	۰,۱۲۷
		X_{23}	شفافیت بودجه	۰,۱۱۸
		X_5	ایجاد ثبات اجتماعی	۰,۴۷۳
		X_7	تقویت قدرت دولت مرکزی از طریق پذیرش اجتماعی حاکمیت دولت توسط مردم	۰,۴۳۱
		X_{10}	ارتقای سطح عدالت اجتماعی با اعمال تفاوت‌های سطوح مختلف درآمدی	۰,۳۸
۴	امنیتی	X_{12}	استفاده از کارشناسان و مدیران خبره در بدنه سازمان برنامه و بودجه	۰,۳
		X_{13}	در نظر گرفتن آمایش سرزمینی برای تخصیص بهینه و عادلانه اعتبارات	۰,۲۸۷

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

۶. نتیجه

کسری بودجه اختلاف کسری بودجه عملیاتی از مازاد تراز سرمایه است. در اغلب سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۰، بودجه ایران با کسری مواجه بوده است. در بسیاری از کشورها، از سیاست کسری بودجه به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست مالی استفاده می‌کنند. اگر کسری بودجه دولت جهت افزایش مخارج جاری باشد، با افزایش شکل‌گیری تقاضا اغلب تبدیل به تورم می‌شود؛ ولی اگر کسری بودجه کنترل شده و جهت توسعه زیرساخت‌ها و توسعه اقتصادی باشد، باعث بهبود فضای کسب‌وکار و خروج از رکود می‌شود. در ایران کسری بودجه همواره از نوع مخرب آن (افزایش هزینه‌های جاری و مصرفی) بوده و به‌تبع آن اقتصاد کشور با تورم روبه‌رو بوده و در مقاطعی رکود نیز به‌دنبال داشته است. در این دهه به‌دلیل ایجاد شرایط خاص اقتصادی و فضای داخلی و بین‌المللی، افزون بر تورم و رکود داخلی و کاهش ارزش پول ملی، مسئله تحریم و کاهش فروش نفت در حوزه بین‌المللی به‌صورت هم‌زمان رخ داد

و باعث بروز نابسامانی‌های متعدد و گوناگون در حوزه بودجه‌ریزی و کسری بودجه شد. در تحقیق حاضر، با تأکید بر دهه ۱۳۹۰ و شرایط خاص آن، تلاش شده است عوامل مؤثر بر کاهش کسری بودجه شناسایی و بررسی شوند. پس از بررسی تحقیقات و طرح‌های پژوهشی مراکز علمی، اجرایی و دانشگاهی به‌منظور به‌کارگیری مناسب ابزار تحقیق، مهم‌ترین متغیرها (گویه‌ها) استخراج شد. از آنجا که اساسی‌ترین کاربرد تحلیل عاملی کاهش تعداد متغیرها به عوامل محدودتری است که معمولاً به‌صورت غیرمستقیم در متغیر اصلی مؤثر است، در این تحقیق نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و کاهش تعداد متغیرها از این روش استفاده شده است. با توجه به مطالعات انجام‌شده در خصوص موضوع تحقیق و نیز با تکیه بر نتایج سایر تحقیقات، مطالعات و مقالات در دسترس و در نهایت مشورت با خبرگان، ۴۷ متغیر شناسایی شد که بعد از بررسی بیشتر، ۱۷ متغیر به‌نوعی جزئی از سایر متغیرها به‌شمار می‌رفت؛ لذا در شمول آن متغیر قرار گرفت. در نهایت ۳۰ متغیر معرفی شد. بنابراین ماتریس اجزا در این پژوهش شامل بارهای عاملی هریک از ۳۰ متغیر شناسایی‌شده در چهار عامل اصلی (ضرایب هم‌بستگی بین متغیرها در عوامل) است.

در این پژوهش، ۳۰ متغیر در زمینه عوامل کاهش کسری بودجه ایران شناسایی شد. پس از به‌کار بردن تحلیل عاملی، برای تعیین تعداد عوامل از روش کیسر استفاده شد. برپایه این ملاک، چهار عامل دارای ارزش ویژه بالای ۱ شناسایی و به‌عنوان عوامل قابل استخراج تعیین شد (عامل سیاسی و روابط بین‌المللی، عامل کلان اقتصادی، عامل ساختار بودجه و عامل امنیتی). با توجه به شاخص‌های آماری و با استفاده از روش تحلیل عوامل اصلی، این چهار عامل در مجموع ۸۹,۹۲۷ درصد از واریانس کل متغیرها را توانستند تبیین کنند. بعد از انجام چرخش واریماکس، مشخص شد هر کدام از چهار عامل اصلی با کدام متغیرها هم‌بستگی بیشتری را نشان می‌دهند. سپس با توجه به محتوای عوامل و در نظر گرفتن چارچوب نظری و پیشینه پژوهش، هر کدام از این عوامل اصلی نام‌گذاری شد. نتایج پژوهش نشان داد عوامل سیاسی و روابط بین‌المللی با مجموع بار عاملی ۴,۷۶۵، عوامل کلان اقتصادی با مجموع بار عاملی ۳,۲۰۵، عامل ساختار بودجه با مجموع بار عاملی ۱,۹۴۲ و عوامل امنیتی با مجموع بار عاملی ۱,۸۶۱ به‌ترتیب مهم‌ترین عوامل کاهش کسری بودجه در ایران هستند که باید به متغیرهای این عوامل توجه کرد.

عامل سیاسی و روابط بین‌المللی

این عامل هفت متغیر (شامل: بهبود روابط بین‌المللی و منطقه‌ای، کاهش تنش و جلوگیری از اقدامات هزینه‌بر بدون محاسبه منافع، فعال شدن دیپلماسی اقتصادی، تعریف نشدن تحریم به‌عنوان مزیت و کاهش تحریم، اعلام مواضع سیاسی با در نظر گرفتن تبعات و آثار اقتصادی، تنظیم مجدد اصول اقتصاد سیاسی کشور، عضویت در مجامع اقتصادی و سیاسی

منطقه‌ای و بین‌المللی) با مجموع بار عاملی ۴,۷۶۵ دارد که بیشترین درصد واریانس (۳۱,۶ درصد) را در بین چهار عامل استخراج‌شده توضیح می‌دهد. مهم‌ترین متغیر (گویه) این عامل بهبود روابط بین‌المللی و منطقه‌ای با بار عاملی ۰,۹۵۴ است. نتایج این عامل با یافته‌های تحقیقات ساعدی سارخانلو و درگاهی (۱۴۰۰)، مایج و ادویامبو^{۲۳} (2020)، اسلاو^{۲۴} (2011) و کروگسترپ^{۲۵} (2000) همخوانی دارد.

عامل کلان اقتصادی

این عامل یازده متغیر (شامل: افزایش تولید ناخالص داخلی، بهبود فضای کسب و کار، استحکام بازار سرمایه به‌عنوان منبع تأمین مالی فعالان اقتصادی، تنظیم سیاست‌های اقتصادی با در نظر گرفتن ابعاد مختلف، تنظیم درآمدهای مالیاتی متناسب با واقعیات اقتصادی کشور، افزایش صادرات از طریق ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیر کردن محصولات، بهره‌گیری مناسب و بدون شعار از منابع نفت و گاز (خروج از افراط و تفریط)، بهبود وضعیت ارزش پول ملی و کاهش نوسانات مالی، پولی و اقتصادی، تعریف مورد پذیرش کارکرد بانک و قبول جایگاه آن از سوی دولت، استقلال واقعی سازمانی بانک مرکزی از طریق تغییر در نحوه انتصاب مدیرعامل، مدیریت تورم و نرخ بهره براساس تغییرات اقتصادی و شرایط پولی و مالی دولت) با مجموع بار عاملی ۳,۲۰۵ دارد که ۲۱,۱۳۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. مهم‌ترین متغیر این عامل افزایش تولید ناخالص داخلی با بار عاملی ۰,۶۱۲ است. نتایج این عامل با یافته‌های مطالعات ارهات و دیگران (2011)، فوجاسکی و مینو (2009)، مک‌کاندلس (2008)، آدام و یوان (2005) و تسوکیس (2000) همخوانی دارد.

عامل ساختار بودجه

این عامل هفت متغیر (شامل: حذف ردیف‌های غیرکارآمد و غیرضرور بودجه به‌صورت واقعی، پایش هر ساله ردیف‌های بودجه براساس عملکردهای سالانه، استقرار کامل بودجه‌ریزی عملیاتی به‌عنوان تکلیف برنامه ششم توسعه، متناسب‌سازی و به‌روزرسانی قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱، هماهنگی بیشتر بودجه با برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، تنظیم اصول قابل ارزیابی تخصیص بودجه بعد از تصویب آن، شفافیت بودجه) با مجموع بار عاملی ۱,۹۴۲ دارد که ۱۹,۰۰۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. مهم‌ترین متغیر این عامل حذف ردیف‌های غیرکارآمد و غیرضرور بودجه به‌صورت واقعی با بار عاملی ۰,۵۱۱ است. نتایج

23. Maweje & Odhiambo

24. Eslava

25. Krogstrup

این عامل با یافته‌های پژوهش‌های بلودرن و لیگ^{۲۶} (2011)، هلمز^{۲۷} (2010)، تنزی^{۲۸} (2000) و حسینی‌پور (۱۳۹۷) تناسب دارد.

عامل امنیتی

این عامل پنج متغیر (شامل: ایجاد ثبات اجتماعی، تقویت قدرت دولت مرکزی از طریق پذیرش اجتماعی حاکمیت دولت توسط مردم، ارتقای سطح عدالت اجتماعی با اعمال تفاوت‌های سطوح مختلف درآمدی، استفاده از کارشناسان و مدیران خبره در بدنه سازمان برنامه و بودجه، در نظر گرفتن آمایش سرزمینی برای تخصیص بهینه و عادلانه اعتبارات) با مجموع بار عاملی ۱,۸۶۱ دارد که ۱۸,۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. مهم‌ترین متغیر این عامل ایجاد ثبات اجتماعی با بار عاملی ۰,۴۷۳ است. نتایج این عامل با یافته‌های تحقیقات تالوی و وگ^{۲۹} (2005)، کامینسکی^{۳۰} و دیگران (2004) و سلاطین و دیگران (۱۳۹۷) همخوانی دارد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

26. Bluedorn & Leigh

27. Holmes

28. Tanzi

29. Talvi & Vegh

30. Kaminsky

References

- Agnello, L., & Sousa, R. M. (2009). The Determinants of public deficit volatility. *European Central Bank (ECB) Working Paper*, no. 1042.
- Aktas, Z., Kaya, N., & Özlale, Ü. (2010). Coordination between monetary policy and fiscal policy for an inflation targeting emerging market. *Journal of International Money and Finance*, 29, 123-138. <https://doi.org/10.1002/14651858>
- Bassetto, M., & Butters, R. A. (2010). What is the relationship between large deficits and inflation in industrialized countries?. *Economic Perspectives, Federal Reserve Bank of Chicago*, 34(3), 83-100. Received from: https://papers.ssm.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1655956
- Bluedorn, J., & Leigh, D. (2011). Revisiting the twin deficits hypothesis: The effect of fiscal consolidation on the current account. *IMF Economic Review*, 59(4), 582-602. <https://doi.org/10.1057/imfer.2011.21>
- Bohn, F. (2006). Eliminating the inflationary finance trap in a politically unstable country: Domestic politics vs. international pressure. *Economics & Politics*, 18(1), 71-94. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1468-0343.2006.00163.x>
- Bywaters, D. S., & Thomas, D. G. (2011). Real money demand and supply meets Federal debt. *Applied Economics Letters*, 18, 1189-1193. <http://dx.doi.org/10.1080/13504851.2010.532089>
- Chahrazi Madrese, S., & Nejati, M. (2017). The impact of public debt and productivity on economic development of Iran. *Financial and Economic Policies*, 5(19), 7-28. Received from: <http://qjefp.ir/article-1-542-fa.html> (Persain)
- Ehrhart, H., Minea, A., & Villieu, P. (2011). Deficit, seigniorage and the growth Laffer curve in developing countries. *Working Papers Halshs*, 00554257.
- Eslava, M. (2011). The political economy of fiscal deficits: A survey. *Journal of Economic Surveys*, 25(4), 645-673. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6419.2010.00647.x>
- Fischer, S., Sahay, R., & Végh, C. A. (2002). Modern hyper- and high inflations. *Journal of Economic Literature*, 40(3), 837-880. <http://dx.doi.org/10.1257/002205102760273805>
- Haan, J., & Klomp, J. (2013). Conditional political budget cycles: A review of recent evidence. *Public Choice*, 157(3-4), 387-410. <https://doi.org/10.1007/s11127-013-0106-6>
- Hadian, E., Oštadzadeh, A., & Safavi, S. (2013). Analyzing budget deficit of government in Iran through multi-layer artificial web. *Journal of Applied Economy in Iran*, 2(7), 19-40. Received from: https://aes.basu.ac.ir/article_516.html (Persain)

- Haji Amini, M., Fallahi, M., & Ahmadi Shadmehri, M. (2017). Budget deficit on cash flow in Iran's economy. *Economic Policy Making*, 9(17), 145-172. Received from: <http://qjerp.ir/article-1-1023-fa.html> (Persain)
- Holmes, M. J. (2010). A reassessment of the twin deficits relationship. *Applied Economics Letters*, 17(12), 1209-1212. <https://doi.org/10.1080/00036840902845434>
- Hosseini pour, S. (2018). Analyzing the causative relationship between budget deficit, money distribution, and inflation rate in Iran. *Journal of Strategic and Macro-Policies*, 6(21), 80-100. Received from: https://www.jmsp.ir/article_56128.html (Persain)
- Komey jani, A., & Varharami, V. (2012). Analyzing the role of effective factors of budget deficit in Iran. *Rahbord Journal*, 21(64), 27-42. Received from: http://rahbord.csr.ir/article_124446.html (Persain)
- Krogstrup, S., & Wyplosz, C. (2010). A common pool theory of supranational deficit ceilings. *European Economic Review*, 54(2), 269-278. <https://doi.org/10.1016/j.euroecorev.2009.06.010>
- Maltritz, D., & Wüste, S. (2015). Determinants of Budget Deficits in Europe: The Role and Relations of Fiscal Rules, Fiscal Councils, Creative Accounting and the Euro. *Economic Modelling*, 48(1), pp. 222-236. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2014.12.001>
- Mawejje, J., & Odhiambo, N. M. (2020). The determinants of fiscal deficits: A survey of literature. *International Review of Economics*, 67(3), 403-417. <https://doi.org/10.1007/s12232-020-00348-8>
- Saedi Sarkhanloo, A., & Dargahi, H. (2021). Analyzing the impact of budget deficit in Iran considering the economic factors and political economy. *Journal of Planning and Budget*, 26(1), 3-32. Received from: <http://jpbud.ir/article-1-1982-fa.html> (Persain)
- Salatin, P., Ghafari Some, N., & Mohammadi, S. (2018). Analyzing the effective factors on budget deficit considering the governance of law. *Financial and Economic Policies*, 6(22), 123-158. Received from: <https://qjefp.ir/article-1-498-fa.html> (Persain)
- Talvi, E., & Vegh, C. A. (2005). Tax Base variability and procyclical fiscal policy in developing countries. *Journal of Development Economics*, 78(1), 156-190. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2004.07.002>
- Tanzi, V. (2000). *The role of the state and the quality of the public sector*. En: XII Seminario. Regional de Política Fiscal: Compendio de documentos-Santiago: CEPAL. pp. 3-21.
- Zare Chahouki, M. (2010). *Data analysis in environmental studies through SPSS*. Tehran: Jahad University Press. (Persain)